

توجه به هنر رضوی باید مستمر باشد

هنرمندان هنرهای تجسمی همزمان با دهه ولایت از ضرورت ترویج و اشاعه هنر رضوی می گویند

تأبوتانند آماری از فعالیت هایشان ارائه دهند. در واقع آن هادنبال حمایت کردن

از هنرمندو هنرواقعی نیستند.

رزاقی تأکید می کند: ما اول باید تکلیف خودمان رادر کشور مشخص کنیم. بعدبه فکر خارج از مرزها باشیم چون برای خارج از مرزهامنی توان کار عبثی ارائه دادوباید حساب شده و آگاهانه پیش رفت تا اثر گذار بود. وقتی در داخل به نتیجه مطلوب برسیم در خارج از کشور هم می توانیم موفق باشیم. اومحقق شدن ترویج هنر رضوی در ایران و خارج از مرزهای کشور رادر گروشناسایی هنرمندان واقعی که سال هاعمر ووقتشان را در این راه و تهیه آثارشان گذاشته اند می داند و بیان می کند: صرفا با تشویق کردن به هیچ نتیجه ای نمی رسیم و باید برای تحقق اهدافمان هزینه کنیم.

● محدود شدن نمایشگاه ها به ایام ولادت محمد رضا حمیدی ، از پیشکسوتان نقاشی قهوه خانه ای نیز بر لزوم شناسایی مخاطبان خارجی تأکیدمی کندمی گوید: ما باید در ابتدا در کشورهای مدنظرمان نمایشگاه هم برگزار و آثارمان رامعرفی کنیم. در این نمایشگاه هم باید آثار با کیفیت با محوریت امام رضا^ع، به نمایش بگذاریم و مخاطب را هم برای تماشای آثار دعوت کنیم.

به گفته او، اثر هنری مخاطب خاص داردو جنسی نیست که مصرف کننده بلافاصله آن راتهیه کند. از این روالگرمی خواهیم که صادرات موفقیّت آمیزی داشته باشیم، باید بابرنامه ریزی درست در ابتدا مخاطبان را از طریق انتشار فراخوان و تبلیغات با هنر رضوی آشنا کنیم.

حمیدی با اشاره به ضرورت سرمایه گذاری برای صدور هنر رضوی بیان می کند: بابرنامه ریزی درست و استفاده از افراد باتجربه می توان از ظرفیت های بی شمار هنر رضوی استفاده کرد.

این هنرمند که تا امروز آثار مختلفی با محوریت هنر رضوی از جمله «منظره امام رضا^ع» بودعای باران «اخلق کرده است ادامه می دهد: موضوعات بسیاری درباره امام رضا^ع وجود دارد که هرکدامشان می توانند به یک تابلو و اثر هنری تبدیل شوند. اما نهادها تنها در ایام ولادت امام رضا^ع کمایشگاه و مراسمی برگزار می کنند و بقیه سال به این مهم بی توجه هستند.



● **ضرورت ارائه آثار به زبان روز**

مصطفی ممعی و ند ،

گرافست مشهدی نیز با

نام بردن از حرم مطهر امام

رضا^ع به عنوان گنجینه

هنری که انواع و اقسام

تکنیک های معماری، طراحی و نقوش در

آن وجوددارمی گوید: جشنواره های توانند

در صدور هنر رضوی تأثیر گذار باشند اما

الان فعالیت هایشان نمودی نداشته است

شاید دلشش هم این باشد که کلیشه ای

رفتار کرده اند که ناشی از سیاست های

بالادستی است. اودر باره ویژگی های آثاری

که می خواهیم به خارج از کشور صادر کنیم

نیز توضیح می دهد: باید در آثارمان به زبان

روز صحبت کنیم و طرز تفکر معرفی آثار به

روش قدیمی هارا کنار بگذاریم. ماباید آنچه

کنیم تا مصرف کننده بتواند اثر هنری مان

را درک کند و از آن لذت ببرد. وقتی هم از اثر

لذت ببرد، ناخودآگاه آن را نشر خواهد داد.

او با اشاره به افتتاح شعبه دو موزه لوور در

یکی از کشورهای عربی بیان می کند: اگر

می خواهیم گنجینه ای که داریم رامعرفی

کنیم باید در سطح جذابی این کار را انجام

دهیم که استانداردهای بین المللی را هم

دارا باشد. در غیر این صورت ارائه ضعیفی

خواهیم داشت که خبرش منتشر نمی شود

و اثری نمی گذارد.

ممعی وند همچنین با تأکید بر لزوم استمرار

انجام فعالیت ها با محوریت هنر رضوی

می گوید: وقتی می خواهیم فعالیتمان

اثر گذار باشد باید آن را تکرار کنیم تا به مرور

از خودش را بگذارد. اکنون این تکرار وجود

ندارد و تمام اقدامات نامطمعی و مناسستی

است. این هنرمند یادآور می شود: برای صدور

هنر رضوی نیاز به یک سیاست گذاری کلی و

مدیریت منسجم با استمرار بالا و برنامه ریزی

طولانی مدت داریم، مدیریتتی که در این

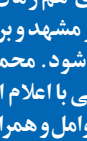
حوزه تخصص کافی داشته باشد. همچنین

باید برای رسیدن به هدفی که تعیین کردیم،

راه و وسیله را مشخص کنیم و یک اجرای

صحیح و درست نیز داشته باشیم.

● **نقوشدن رویدادها**



رضهدهی نگارگرمشهدی

نیز بر این باور است که ما

هنوز مشکلات زیادی در

داخل ایران برای ترویج هنر

رضوی داریم که باید اول

آن هارا حل کنیم و بعد به ارائه این هنر به



اثر سائو رازا صمدی



اثر سائو رازا صمدی

خارج از کشور برسیم.

او با ابراز نارضایتی از وضعیت پرداختن به

هنرهای تجسمی می گوید: سازمان تبلیغات

اسلامی، هیچ نمایشگاهی در هیچ کجای

دنیا برگزار و هنرمندان را دعوت نمی کند.

هنرمند هم خودش به تنهایی نمی تواند

برگزار کند باید انرژی اش را در متمرکز و مثلاً

از سوی متولیان هنر حمایت شوند که این

اتفاق رخ نمی دهد.

مهودی که تا امروز آثار متعددی را در باره

امام رضا^ع خلق کرده است یادآور می شود:

ما شش دوره دوسالانه تذهیب های قرآنی

را در مشهد در بالاترین سطح برگزار کردیم

که بسیار در پیشرفت هنر تذهیب در کشور

هم مؤثر بوده اما بساط این رویداد را جمع

کردند و مؤسسه آفرینش های هنری

علاقه ای به برگزاری آن نشان نداد. به گفته

اواز سال ۱۳۹۷ با این همه دوسالانه برگزار

نشده است. این هنرمند همچنین بیان

می کند: ما حتی در دوره پنجم، دوسالانه

نگارگری را با عنوان نگاره های مذهبی به

این رویداد اضافه کردیم تا هنرمندان در

حوزه مذهب و دین تصویرسازی کنند اما آن

را از دوره ششم حذف کردند و دوره هفتم نیز

اصالاً برگزار نشد یا اینکه باز خورد های خوبی

و سینما برگزار می شود.

پیش تر معاون فرهنگی سازمان اجتماعی و

فرهنگی شهرداری مشهد نیز از تلاش مدیریت

شهری برای اکران «بدون قرار قبلی» هم زمان

با میلاد امام رضا (ع) در مشهد خبر داده

بود. «بدون قرار قبلی» اثری سینمایی است که

با محوریت مشهد تولید شده و تصاویر متفاوت

یادبود

پیکر مهدی صباغی، هنرمند پیشکوت مشهدی، امروز در خانه ابدی اش آرام بی گیرد

وداع با فیروز تئاتر مشهد

ضحی زردکانلو

مهدی صباغی، هنرمند بر

آواز تئاتر، رادیو تلویزیون

در سن ۷۱ سالگی برای

همیشه از میان مارفت تاتنها

خاطر انتقش ها و صدهای

ماندگارش در صحنه نمایش

و رادیو بر ایمان بماند.

دی سال گذشته بود که برای عیادت صباغی به منزل خواهرش طاهره خانم

رفتیم. او که آلزایمر امانش را بریده بود فارغ از قیل و قال پایتخت به شهرش

مشهد باز گشته بود. انگار که می دانست فرصت چندانی ندارد و باید ماه های

آخر ادر کنار هویت و ریشه هایش روزگار سپری کند. ۱۳ خرداد ۱۴۰۱ همان

روزی بود که صباغی برای همیشه همانجا که دلش می خواست آرام گرفت.

پیکر این هنرمند فقید امروز ساعت ۹ صبح در مسجد رضوان صد اوسیمای

خراسان رضوی تشییع و برای خاک سپاری به قطعه هنرمندان بهشت

رضا^ع منتقل می شود.

● **عاشق حرم و امام رضا (ع)**

مهدی صباغی که با نام مستعار «فیروز» شهرت یافت سال ۱۳۳۰ در مشهد

به دنیا آمد. خودش می گفت برادرش مشوق اصلی او برای بازیگری بوده

است. برادرش هم زمانی بازیگر بوده و بعد دنباله رورا پدر مرحومشان به

سراغ درس حوزه می رود و روحانی می شود. صباغی عاشق امام رضا^ع و

مشهد بود و هر بار که یاد حرم می افتاد اشک می ریخت. او بیش از هر چیزی

موقفیت هایش را لطف امام رضا^ع می دانست.

صباغی خاطرات بسیاری را در تلویزیون، رادیو، تئاتر و سینما بر ایمان رقم

زده است. یکی از افتخارات صباغی این است که در چهارمین جشنواره

تئاتر فجر برای بازی در نمایش «پیشنهاده» به کارگردانی جواد اردکانی، مقام

نخست بازیگری را به دست آورد. همچنین «خانات» و «بعضی ها اینجا بزرگ» از

دیگر نمایش هایی است که صباغی در سال های ابتدایی فعالیت هنری اش

با آن ها درخشید و جایا پیش را از همان ابتدا در حرفه هنر محکم گذاشت.

مرحوم صباغی بر ایمان تعریف می کرد که در نمایش «پیشنهاده» به جای

۲۰ نفر معدود هنرمندان مشهدی بود که در هر محفلی حاضر می شد، با لهجه

از اینکده تندیس بهترین بازیگر مرد را به او می دهد به او می گوید: تو مرد

موفق این حرفه هستی.

او در رادیو نیز علاوه بر تلاش هایی که برای احیا و معرفی لهجه مشهدی

می کرد، با ۹ لهجه گوناگون صحبت می کرد. صباغی سال ها با برنامه های

گوناگون رادبویی از جمله «صبح جمعه با شما» هممان خانه های مردم بود.

اواز معدود هنرمندان مشهدی بود که در هر محفلی حاضر می شد، با لهجه

مشهدی سخن می گفت و به لهجه اش افتخار می کرد.

صباغی همان سرهنگ علی آبادی «پلیس جوان» و «احمد» کافه ستاره» بود

که توانست با نقش هایش تا مدت ها در ذهن مخاطبان تلویزیون بماند.

همچنین «گل یخ» و «آسمان هشتم» از جمله آثار سینمایی است که صباغی

در آن ها توانمندی اش را روی پرده سینما به رخ کشیده است.

اما فعالیت های هنری صباغی به اینجا ختم نمی شود. او بیش از پانزده

سال در «کانون آموزش هنر صبا» که خودش بنایش را گذاشته بود به تدریس

و تربیت هنرمندان جوان در مشهد کمر همت بست.

● **جایی بهتر برای زیستن**

در گذشت مهدی صباغی پیای های تسلیت بسیاری را از سوی هنرمندان و

مستولان در پی داشت. از جمله محمد حسین زاده مدیر کل فرهنگ و ارشاد

اسلامی استان، فریدون جبرانی، بهروز شعبانی و بسیاری از هنرمندان

تئاتر، رادیو و تلویزیون. اما رضا کیانیان به پیام تسلیت بسنده نکرده و روایت

و خاطره ای از خواندنش از مرحوم صباغی منتشر کرد. اودر صفحه مجازی اش

در اینستاگرام با انتشار عکسی از صباغی نوشت:

«وقتی جمشید اسماعیل خانی از این دنیا رفت من ومهدی صباغی وچندتا

از برچه های باز یگر دیکه جلوی مسجد بودیم.

مهدی خیلی گریه می کرد. پرسیدم تا به حال چند بار مردی ؟ با تعجب

نگاه کرد. منظورم را متوجه نشده بود. گفتم روی صحنه تئاتر، تو فیلم ها

و سریال ها چند بار مردی ؟ یادت نیست ؟ گریه اش آرام شده بود.

گفت چند بارش را یادم نیست. بارها. گفتم جمشید هم چند بار مرده

بود. من همین طور. ولی هنوز هستیم. یه بار هم تو زندگی می میریم

و بعدش دنگ نخواهیم بود. پس دیکه گریه نکن، از کجا که جای

بهتری نریم.»

در فقدان آقای نباتی

هوشنگ جاوید

سال ۱۳۶۰ بود که در رادیو مشهد به مهدی صباغی آشنان شدم. آن زمان برای برنامه های

جمعه شب رادیو مطالب و نمایش های طنز می نوشتم. نمایشی نوشته بودم به نام

«ضفر مساوی است با صفر»، حکایت آدمی بود که مدام در زندگی بدآورده

بود و همه را به اماش ربط می داد. روان شاد سید محسن مصطفی زاده نیز

ویراستار متن بود. آقای فرزین هم تهیه کننده بود. به من گفت: متن را دادم

فیروز صباغی اجرا کند. او آمد و پیش از آنکه ضبط شروع شود با فروتنی بسیار

کنارم نشست و در مورد حس بیان تک تک جملات از من راهنمایی خواست

و آن قدر آرام و متین گوش می کرد و جمله ها را به لحاظ بیانی به اصطلاح

درمی آورد که باورم شد او هنرمندی دارای تجربه است.

این نمایش همراه با نمایش های طنز دیگر تا سه ماه از ادبپخش شد. تا اینکه

کسی از زیربون گفت: بود: چرا صفر را مسخره می کنی داین نام خیلی محترم است.

نباید بداند شود. در نهایت دیکه نشد که همکار ما ادامه یابد زیرا رویه کاری من

هم عوض شد. تا زمانی که او نخستین نمایش طنز منطقی و کنایه آمیزش را با

همکاری گروهی از جوانان علاقه مند که به گفته خودش دستشان به دانشگاه

یا آموزشگاه نمی رسید از تربیت کرد و به صحنه برد، همان زمان خیلی ها که

در برابر این نویسنده او و او آمده بودند، شروع به غرزدن کردند که این چه کاری

است. تئاتر تئاتر، روحضی آورده بود... اما پیروزی او پی در پی فیروز

بودن او را ثابت کرد، با عنوانی که دو پهلپوبود. هم قدرتمندی اش در کار نمایش

را با از گوی می کرد و هم نقدی بود بر رفتارهای اجتماعی.

فضای کار و نوع نگاه به شیوه ای که در نمایش طنز خراسانی گوشده بود

به گونه ای شد که با نمایش «بیخود و بی گناه» به پیشرفت سبک و اوج مهارت

در ارائه کمدی موقعیت رسید و در همان زمان پایش به عرصه سینما هم باز

شد و باز هم دهان های باز و حرف های صدمن یک غاز. رنجش اواز فضای

بیرونی محیط کار و دل خوری اش از کسانی که کارهای او را که حالا رقیبی

شده بود برای افاضاتشان، کاری کرد که او دست به کوچ زد زیرا تهران تشنه

هنرمندی او بود.

در عین حال که خراسان را در جانش داشت. در همان احوالی که در رفت و آمد

بود، رادیو، شهادت، «آقای نباتی» را که برداشتی بود و از پیروم رهای دم

مغازه نشین مشهدی که لغز گوی ما هری هم بودند، ایجاد کرد و چندان این

شخصیت در بین مردم دل نشین شد که برایش پیام می دادند و مشکلاتشان

را بیان می کردند او شخصیت آقای نباتی را به برنامه صبح جمعه رادیو هم

کشانود و تا سال ها مردم را بخنداند و الاوالتین کارش این بود که تا زمانی که سرپا

بود از آموزش جوانانی که امکانات آموزش در محیط های آموزشی تعریف شده

نداشتند، دست برنداشت و در هر جای که می توانست آنان را به کرد خود می آورد

و چون شمعی من سوخت تا به اینکده علاقه مند نور هنر را منتقل کند، بی گمان

مهدی صباغی، پیروم زندانه، در برابر خدایش به ارائه کارنامه اش می پردازد،

با همان لیخند همیشگی.

شکیبا افخمی راد

ترویج هنر رضوی یکی از موضوعاتی

است که با رهادر محافل مختلف از

سوی هنرمندان و مسئولان بر

اهمیت آن تأکید شده است. هنر

رضوی قابلیت ارائه محصولات در

سطح بین المللی را دارومی تواند

هنر ایرانی و اسلامی ملایه کشورهای

مختلف معرفی کند. با آنکه در این سال ها

رویدادهای مختلفی با محوریت هنر رضوی

برگزار شده و هنرمندان جوان و پیشکسوت

نیز دست به خلق آثار فاخر در این زمینه

زده اند اما آن چنان که باید برای ترویج هنر

رضوی در سطح جهانی اتفاق ویژه ای رخ

نداده است. هم زمان با دهه کرامت در باره

ضرورت توجه به هنر رضوی و ویژگی هایی

که باید یک اثر با موضوع هنر رضوی برای

مطرح شدن در کل جهان داشته باشد با

هنرمندان هنرهای تجسمی شهرمان گپ

زدیم. موضوعی که به باور آن ها در گرو

حمایت مسئولان است. آنچه در ادامه

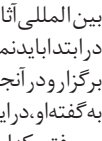
می خوانید نظرات حسین رزاقی، محمدرضا

حمیدی، مصطفی ممعی وند و رضا مهدی

در باره صدور بین المللی هنر رضوی است.

● **به نمایش گذاشتن خصایص انسانی و**

معرفی حضرت رضا(ع)



حسین رزاقی، هنرمند

نگارگرمشهدی و از شاگردان